

اوقات فراغت معضلی برای خانواده‌ها



فاطمه هجرت

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و امور تربیتی

برنامه‌های دولتی در ایام تابستان از گیرایی و کارآمدی لازم برای جذب جوانان و نوجوانان برخوردار نیستند

در سال ۸۲ حدود هشت هزار و ۳ دانش آموز به علت جرایم مواد مخدر روانه زندان شدند

فصل تابستان از راه رسید و دانش‌آموزان پس از گذراندن امتحانات پایان تحصیلی، قدم به دوران ۳ ماه تعطیلی تابستان گذاردند. به این ترتیب میلیون‌ها جوان و نوجوان بدون این که سرگرمی داشته و یا برای ایام تعطیلات و فراغشان از سوی مسوولان و سازمان‌ها و ارگان‌های ذیربط و ذیصلاح فکری شده باشد ۳ ماه تعطیلی را آغاز کردند.

یکی از مسایلی که در این سال‌ها همواره قبل از فرا رسیدن ایام تابستان و ۳ ماه تعطیلی از سوی برخی دست‌اندرکاران و مسوولان عنوان شده و حتی سیمناها و کنفرانس‌هایی را نیز در پی داشته برنامه‌ریزی برای غنی‌سازی اوقات فراغت جوانان و نوجوانان بوده است ولی با وجود صرف هزینه‌ها و بودجه‌های هنگفت و قابل توجه، اکثر جوانان بهره‌ای از این برنامه‌ها نبرده و این ایام را به بطالت گذرانده‌اند. مگر این که از بودجه و ثروت کافی برخوردار بوده و به مسافرت داخلی یا خارج کشور رفته و یا این که با حضور در کلاس‌های خصوصی به نوعی خود را سرگرم سازند. بی‌برنامگی در این ماه‌ها یکی از راه‌های گرایش به اعتیاد و انواع و اقسام خلاقکاری خصوصاً در میان جوانان و افرادی است که از تمکن مالی کافی برای سرگرم ساختن خود در این ایام برخوردار نیستند. جوانان و نوجوانان در تابستان در حالی سر در گم و بلا تکلیف هستند که به طور مثال شهرداری‌ها، سازمان تبلیغات اسلامی، فرهنگسراها، وزارت

آموزش و پرورش و دیگر سازمان‌ها و ارگان‌های ذیربط یا صرفاً به شعار دادن پرداخته و دست به فعالیت‌هایی می‌زنند که برای آنها گیرایی نداشته و سرگرم‌کننده نیست و یا این که برنامه‌های آنها یک‌بعدی و تکراری بوده و قادر به جذب جوانان و نوجوانان نیستند. در این ایام هم چنین برنامه‌های سینماها و شبکه‌های هفتگانه تلویزیون کسل‌کننده بوده و در عوض این که سرگرم‌کننده و جالب باشد زجرآور و فاقد نوآوری و تحرک است. همه این عوامل دست به دست هم داده و ایام تابستان و اوقات فراغت دانش‌آموزان و دانشجویان را به دورانی ملالت‌بار و غیر شمر تبدیل کرده است.

همه ساله در آستانه‌ی تابستان و آغاز فصل تعطیلی مدارس، جلسات و نشست‌هایی در باره برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت برگزار می‌شود که اگر چه با صرف هزینه و بودجه‌هایی همراه است ولی نه تنها با استقبال مواجه نمی‌شود بلکه گیرایی و تاثیر مثبت هم ندارد.

در سال جاری هم در اوایل اردیبهشت ماه اعلام شد که با تشکیل کمیته‌های کاری توسط نهادهای اجتماعی و فرهنگی، برنامه‌ریزی برای غنی‌سازی اوقات فراغت تابستانی آغاز شده است. چند هفته پس از آن نیز رییس کمیسیون فرهنگی، اجتماعی و زیست شهری شورای شهر تهران در یک نشست مطبوعاتی از ۵ میلیارد تومان بودجه برای اجرای طرح اوقات تابستان خبر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



می‌دهد که خانواده محور است. وی در عین حال سیاسی بودن چنین طرحی‌هایی را تکذیب می‌کند. در حالی که عملکرد شهرداری و شورای شهر تهران در این ماه‌ها نشان داده که این گروه با اهداف خاصی به برنامه‌ریزی و فعالیت پرداخته و آنچه بیش از همه مورد توجه است مسایل و جهت‌گیری‌های سیاسی است.

اگر چه در تهران به دلیل گستردگی فضاهای ورزشی، آموزشی و تربیتی، مشکلات دانش‌آموزان در ایام تابستان نمود کمتری می‌یابد اما در شهرها و شهرستان‌های کوچک این مشکلات آشکارتر است که همین مساله گرایش به فرار از خانه، مهاجرت به شهرهای بزرگ خصوصا تهران و مسایل منفی دیگر را به ارمغان می‌آورد. لذا اگر نگاهی به دوران و زمان آغاز بزه‌کاری جوانان و نوجوانان بشود این واقعیت آشکار خواهد شد که ایام تابستان و سه ماه تعطیلی زمان گرایش به این مسایل بوده است. دلیل آن نیز فقدان سرگرمی و نبودن امکانات لازم برای دور نگه داشتن این گروه از بزه‌کاری و خلافتکاری است.

همه ساله در آستانه تابستان برنامه‌ها و طرح‌هایی برای پر بار کردن اوقات فراغت دانش‌آموزان ارائه می‌شود اما این طرح‌ها کارایی ندارند. رییس سازمان دانش‌آموزی برای سال جاری نیز خبر از برنامه‌هایی می‌دهد که باید اوقات فراغت را پر بار سازد. وی می‌گوید: ۵ میلیون و ۵۸۴ هزار دانش‌آموز در تابستان ۸۴ تحت پوشش برنامه‌های اوقات فراغت قرار می‌گیرند. سید مهدی شاه حسینی با اشاره به فعالیت‌های هر چه بیشتر کانون‌های فرهنگی و تربیتی، پایگاه‌های تابستانی، اردوگاه‌ها، دارالقرآن‌ها، کتابخانه‌های فعال مدارس و کانون‌های ورزشی اعلام می‌دارد: پیش‌بینی شده در تابستان جاری حدود ۲ میلیون دانش‌آموز در یک هزار و یکصد کانون فرهنگی - تربیتی، ۷۰۰ هزار دانش‌آموز در ۸ هزار و ۸۰۰ پایگاه تابستانی مدارس و ۲ میلیون نفر در برگزاری اردوها، بازدید و گردشگری تحت پوشش قرار بگیرند. به گفته وی کمیسیونی متشکل از رییس سازمان آموزش و پرورش استان به عنوان رییس کمیسیون، رییس سازمان دانش‌آموزی استان به عنوان دبیر کمیسیون، معاونین آموزش عمومی و تربیتی، نظری و مهارتی، هماهنگی، امور پرورشی،

برنامه‌ریزی و توسعه مدیریت، مدیریت تربیت بدنی و ۲ نفر از دانش‌آموزان به انتخاب رییس سازمان دانش‌آموزی، برنامه‌ریزی و هدایت فعالیت‌ها را در سطح استان، شهرستان، منطقه و ناحیه بر عهده دارد و قرار است ۸۸۴ هزار دانش‌آموز نیز جذب دارالقرآن‌ها، کتابخانه فعال مدارس و کانون‌های ورزشی شوند.

این کمیسیون وظیفه تعیین میزان حداقل و حداکثر وجه ثبت نام شرکت‌کنندگان، پیگیری پرداخت حق الزحمه مربیان، تمهیدات لازم جهت



امکانات عمومی فعالیت‌ها به ویژه اردوها و نظارت مستمر بر حسن اجرای برنامه‌ها را بر عهده دارد. ولی سوال این است که آیا برنامه‌ریزی بزرگ‌ترها برای دانش‌آموزان می‌تواند سرگرم‌کننده باشد و یا این که اصولا آنچه در دارالقرآن‌ها و کتابخانه مدارس و امثالهم ارائه می‌شود قادر است برای این قشر مفید و کارآمد بوده و دانش‌آموزان را سرگرم سازد؟ دانش‌آموزان پس از سپری کردن ماه‌ها پشت میز نشستن، در ایام تعطیلات تابستان به دنبال برنامه‌های پر تحرک و سرگرم‌کننده هستند. آنها مایل نیستند تعطیلات را نیز در سر کلاس‌های آموزشی حضور یافته و به آموختن، بپردازند. ضمن این که متاسفانه برخی آموزش‌های تئوریک حالتی خسته‌کننده داشته و اساتید قادر نیستند با توجه به شور و شوق نوجوانی، دانش‌آموزان را به خود جلب کنند. یکی از دلایل ناکامی و ناکارآمد بودن

برنامه‌های اوقات فراغت که از سوی ارگان‌ها و سازمان‌های دولتی ارائه می‌شود نادیده گرفته شدن خواسته‌های این قشر و شرایط سنی و نیازهای آنهاست. همین مساله سبب گردیده استقبال چندانی از این برنامه‌ها نشده و دانش‌آموزان ترجیح بدهند اوقات خود را به تماشای تلویزیون و بازی‌های کامپیوتری بگذرانند. دانش‌آموزان را باید به ۳ گروه و دسته تقسیم کرد. لذا هر گروه با توجه به وضعیت خانوادگی و مالی که داراست به برنامه‌ریزی اوقات فراغت خود می‌پردازد.

این گروه‌ها عبارتند از:

- ۱- دسته اول، دانش‌آموزانی که در خانواده‌های متمول زندگی کرده و از توان مالی کافی برای شرکت در کلاس‌های ورزشی غیر دولتی برخوردار هستند. این گروه می‌تواند با سفرهای داخلی و خارجی اوقات خوش و پر باری را برای خود فراهم سازد.
- ۲- دسته دوم، افرادی که از توان مالی برای حضور در کلاس‌های تفریحی - ورزشی بخش خصوصی برخوردار نبوده و علاقه‌ای هم به حضور در کلاس‌های دولتی ندارند. زیرا می‌خواهند در ۳ ماهه تابستان به مغز و فکر خود اندکی استراحت بدهند. این گروه اوقات خود را در پای تلویزیون و یا شرکت در بازی‌های محلی سر می‌کنند.
- ۳- دسته سوم، شامل دانش‌آموزانی است که در خانواده‌های فقیر زندگی می‌کنند. این افراد خصوصا دانش‌آموزان پسر در ایام تابستان به کار

کردن در کارگاه‌های کوچک و یا فروش اجناس پرداخته و سعی می‌کنند از این طریق برای زمان تحصیل خود پول توجیبی فراهم آورده و یا کمک خرج خانواده باشند.

جالب توجه است که بسیاری از این افراد اگر بتوانند درآمد مکفی و خوبی به دست آورند قید تحصیل را زده و به جرگه‌ی کوکان کارگر و نان‌آور خانواده در می‌آیند. به همین دلیل ایام تابستان می‌تواند زمینه‌ساز ترک تحصیل عده‌ای از دانش‌آموزان شود.

اگر چه در سال‌های گذشته وضعیت فرهنگسراها در تهران و برخی از شهرستان‌ها به گونه‌ای بوده که برنامه‌هایشان برای نوجوانان و جوانان جذابیت داشته اما متأسفانه چند سالی است که این مراکز تحرک و پویایی خود را از دست داده و قادر به جذب جوانان و نوجوانان نیستند. ضمناً هیچ اراده‌ای هم وجود ندارد که درصد برآید فرهنگسراها را متحول کرده و دچار دگرگونی مثبت سازد. ایجاد

محیطی مفرح، نشاط‌آور و پویا برای نوجوانان و جوانان می‌تواند مانع گرایش به اعتیاد و بزه‌کاری شده و آنها را با تفریحات سالم عجین سازد.

بر اساس پیش‌بینی‌های سند برنامه ساماندهی اوقات فراغت جوانان "استاندارد اوقات فراغت در جهان ۸۰ روز در سال است ولی در ایران به ۹۰ روز افزایش یافته به طوری که هر ایرانی ۲۱۶۰ ساعت اوقات فراغت دارد. اما چگونه است که این اوقات به بطلالت گذشته و برای ایرانیان مفید و کارآمد نیست؟ یعنی در حقیقت آنچه از سوی مراکز دولتی ارایه می‌شود فاقد کیفیت بوده و نمی‌تواند فکر و ذهن جوان و نوجوان را به خود جذب کند.

خاتمی معتقد است زمان فراغت باید فرصتی برای نقد علمی و نشاط و شکوفایی باشد و جوانی فرصتی ممتاز و جوان سرمایه‌ای بی‌زوال برای ترسیم آینده روشن کشور است. وی بر این مساله تأکید دارد که فراهم کردن امکان دسترسی جوانان به فرصت‌های رشد، نشاط و تحرک فارغ از بستگی‌های طبقاتی، جنسیتی، قومیتی و فرهنگی نیازی اساسی است. برای نیل به این مهم ضروری است مقتضیات و نیازهای دوره جوانی و تکثر طبیعی و تنوع گرایش‌ها و خواسته‌های جوانان در برنامه‌ریزی اوقات فراغت مورد توجه قرار گیرد.



نگاهی به برخی آمارها در پاسخ به آنهایی که مخالف برنامه‌ریزی در ارتباط با اوقات فراغت نوجوانان هستند جالب توجه است.

بر اساس آخرین وضعیت گرایش دانش‌آموزان به مصرف مواد مخدر در سال‌های ۱۳۷۸ تا پایان سال ۱۳۸۲ تعداد هشت هزار و ۳ زندان‌های کشور شده‌اند که تسببت جرم مواد مخدر به کل آمار جرایم ۶۷ هزار و ۸۱۱ موردی ورودی به زندان‌ها، حدود ۱۲ درصد است. هم چنین معاون سیاستگزاری و برنامه‌ریزی وزیر رفاه سخن از وجود ۱۶ هزار کودک خیابانی در کشور می‌گوید.

در همین حال مرکز آمار ایران بر پایه تحقیقاتی که در پژوهشکده آمار به عمل آمده اعلام می‌دارد که ۱۲ درصد از خانوارهای شهری در سال ۱۳۸۲ زیر خط مطلق فقر قرار داشتند و مدیر کل مراکز فرهنگی - هنری منطقه شرق تهران هم بر این مساله تأکید می‌ورزد که ۸۵ درصد اقشار پایین دست جامعه امکان برنامه‌ریزی برای گذراندن اوقات فراغت فرزندان خود را ندارند. وی می‌افزاید: از آن جا که بررسی‌ها نشان می‌دهد نزدیک به ۵۰ درصد از جوانان در حد بسیار کم و ۱۲ درصد آنها به هیچ عنوان از برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت رضایت ندارند ضرورت توجه و برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت گروه‌های مختلف

سنی به ویژه جوانان متناسب با تقاضا و خواسته‌های آنها دو چندان می‌شود. به گفته وی، اگر بپذیریم اوقات فراغت نقش اساسی در اجتماعی کردن جوانان و مانعی در بروز کج روی‌ها و بزه‌کاری‌ها به شمار می‌رود آن گاه تلاش و تکاپوی همه سازمان‌های مسوول به سمت و سوی برنامه‌ریزی هدفمند، روانشناسانه و متناسب با ذائقه این قشر بسیج خواهد شد.

در کنار تمامی آنچه عنوان شد باید به این گفته وزیر آموزش و پرورش اشاره کرد که سالانه ۲۷ درصد دانش‌آموزان مقطع متوسطه مردود می‌شوند و یا این که ایران پنجاه و هشتمین کشور جهان در خودکشی است و در سال ۱۳۸۲ تعداد ۲۸۳ دانش‌آموز مدارس شهر تهران اقدام به خودکشی کرده‌اند که حیلر زنده معاون آموزش و پرورش شهر تهران بیشترین تعداد را مربوط به دختران می‌داند و مشکلات تحصیلی و اضطراب را بیشترین معضلات دانش‌آموزان دانسته و معتقد است ترک تحصیل، فرار و جرایم مشمول اخراج از مدرسه از جمله مهم‌ترین جرایم خاص مدرسه‌ای در این سال بوده است.

ولی در شرایطی که همه از اهمیت اوقات فراغت حتی برای بزرگ‌ترها سخن می‌گویند رییس سازمان دانش‌آموزی در سال ۱۳۸۳ با طرح این مساله که این سازمان متولی اصلی اوقات فراغت نیست اعلام کرده بود که این سازمان بودجه‌ای برای اوقات فراغت ندارد.

سخنان مهدی شاه حسینی در این ارتباط بسیار افشاگر و راهگشاست. او می‌گوید در آغاز تابستان به صورت کلیشه‌ای مباحث اوقات فراغت در جامعه مطرح می‌شود. هر کسی گزارش و آمار خود را عرضه می‌کند و مخاطبان شامل دانش‌آموزان و خانواده‌ها با خستگی به این مصاحبه‌های کلیشه‌ای گوش می‌کنند در حالی که به این طیف از فعالیت‌ها، برنامه‌ریزان و مسوولان نظام تعلیم و تربیت باید به عنوان یک برنامه آموزشی و فرهنگی نگاه کنند. وی سپس به مشکل مقوله اوقات فراغت و کلاس‌های فوق برنامه اشاره کرده و خاطر نشان می‌سازد که ظرفیت واحدهای آموزشی در ۹ ماه از سال تحصیلی پاسخگوی بخشی از نیازهای اولیه نظام تعلیم و تربیت است. در چهار دیواری مدارس ما کنار

نیمکت‌تخته سیاه و کلاس‌های سنتی، بسیاری از آموزه‌ها و مدل‌های تربیتی جدید جایی برای طرح شدن ندارند به عبارت دیگر اعتماد به نفس، قدرت حل مسأله، مهارت‌های زندگی و... در مدارس امروز قابل طرح و تمرین برای



دانش‌آموزان نیست زیرا هر یک از این مطالب میدان دیگری غیر از میز و نیمکت را می‌طلبد. امروزه در کنار آموزش رسمی، آموزش‌های مکمل و غیر رسمی مطرح است. اگر در صد سال پیش در مقطع ابتدایی، آموزش فقط یادگیری خواندن و نوشتن و فراگیری چهار عمل اصلی بود امروزه در حوزه‌های تعلیم و تربیت پیشرفته بسیاری از مهارت‌های اجتماعی و نگرش‌ها را از دانش‌آموزان می‌طلبند که در ظرفیت ادراکی مدرسه نمی‌گنجد. بنابراین این اوقات فراغت بستر مناسبی برای آموزش‌های مکمل مانند اردوها، گردش‌های علمی، تفریحی و... است که گروه همسالان و دانش‌آموزان انجام می‌دهند تا تجربه‌های اجتماعی را در روند تربیت بیاموزند.

ولی از آن جا که بخش قابل توجهی از مراکز تفریحی جوانان در انحصار نهادهای دولتی است و بودجه‌ای هم که هر ساله در تابستان به این مسأله اختصاص می‌یابد در اختیار این نهادها قرار می‌گیرد لذا می‌توان به جرات اعلام کرد که این اقدام نه تنها بازده مثبتی ندارد بلکه هدر دادن بودجه است. به همین دلیل برخی از نوجوانان با پایان یافتن امتحاناتشان و رهایی از مدرسه و درس، روی به کارهایی از جمله مشغول شدن در کارگاه‌ها و تعمیرگاه‌ها می‌آورند تا اوقات فراغت خود را در تابستان به نحوی پر نمایند تا از این طریق راه امرار معاش و کسب درآمد را بیاموزند و صاحب حرفه و فنی بشوند.

البته در این میان بخشی از کودکان و نوجوانان دوست دارند اوقات فراغت خود را در کلاس‌های آموزشگاه‌های هنری، آموزشی، ورزشی و تفریحی سپری کنند. ولی متأسفانه باید خاطر نشان کرد که برای همه اقشار جامعه با توجه به شرایط اقتصادی مقذور نیست که هزینه‌هایی را در این بخش صرف کنند تا فرزندشان در تابستان، اوقات فراغت خود را یا رفتن به این کلاس‌ها پر نماید. با شرایط اقتصادی حاکم کمتر خانواده‌ای را می‌توان از میان اقشار جامعه پیدا کرد که بتوانند خواسته‌های فرزندانشان خود را برآورده سازند و لذا اکثر اقشار جامعه از برآورده کردن، خواسته‌های اولیه فرزندانشان عاجز هستند چه برسد به این که آنها را در کلاس‌های فوق برنامه شرکت دهند.

سپری کردن تابستان فرزند، نشان‌دهنده شرایط اقتصادی حاکم بر خانواده است. در این ارتباط دکتر قرائی مقدم جامعه‌شناس معتقد است: اگر یک صدم مخارجی که صرف درمان اعتیاد و جرایم اجتماعی می‌شود در راه ایجاد شرایط و امکانات بهره‌گیری از اوقات فراغت جامعه به کار می‌گرفتیم هم اکنون از نتایج مثبت‌تری برخوردار بودیم. وی در خصوص اهمیت اوقات فراغت در سلامت و زندگی انسان‌ها می‌گوید: اوقات فراغت فرصتی است برای انسان تا خود را آزادانه با جامعه مصرفی سازگار سازد.

وی با اشاره به رفع خستگی، کسب لذت و ایجاد سرگرمی، رشد فکری و جسمی به عنوان ویژگی‌های اوقات فراغت می‌گوید: امروزه یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های کشورهای صنعتی بهره‌گیری از اوقات فراغت است بر همین اساس پس از انجام مطالعات بر روی این ضرورت مهم، ۲ روز در هفته را تعطیل کرده‌اند.

از سوی دیگر رضا زارع پژوهشگر اعلام می‌دارد که موضوع اوقات فراغت افراد مختلف جامعه، به ویژه جوانان و نوجوانان از جمله مسائلی است که امروزه در اکثر جوامع مطرح است و ذهن دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت و صاحب‌نظران علوم اجتماعی را شدیداً به خود مشغول داشته است زیرا نداشتن برنامه‌های مفید و استراتژی مشخص برای سپری کردن موثر این اوقات، بدون شک زمینه را برای بروز بسیاری از مفاسد اجتماعی فراهم آورده و در نهایت امنیت اجتماعی را به مخاطره می‌اندازد.

اوقات فراغت به عنوان روزنه‌ای جهت تخلیه

و کاهش فشارهای ناشی از شرایط نابسامان زندگی و تمدید انرژی و افزایش تحمل افراد جهت مقابله با این فشارها و برقراری تعامل در سلامت روانی افراد عمل می‌کند به این ترتیب عدم دسترسی افراد به فعالیت‌ها و تفریحات مورد علاقه خود می‌تواند به عنوان یکی از علل زمینه‌ساز و موثر در ارتباط با آسیب‌پذیری اجتماعی عمل نماید. اوقات فراغت و نحوه گذران آن همواره به عنوان یکی از مشکلات جوامع مطرح شده است که در صورت عدم برنامه‌ریزی صحیح به جای این که صرف رشد و شکوفایی استعدادها و سلامت روانی و شخصیت افراد گردد زمینه‌ساز انواع کجروی‌ها و انحرافات در افراد خواهد گشت.

دکتر رحیم عبادی مشاور رییس جمهوری اوقات فراغت را به دلیل جوان بودن ترکیب جامعه یکی از چالش‌های اساسی خوانده و معتقد است هم اکنون بیش از ۱۶ میلیون نفر از جمعیت کشور را جوانان تشکیل می‌دهند که باید برای اوقات فراغت آنها در تابستان برنامه‌ریزی شود که در این راستا اگر ۸ هفته و در هفته ۲ روز برای جوانان برنامه داشته باشیم برنامه فعال سهمیه فراغتی در ایران ۲۶۷ میلیون نفر در روز می‌شود.

به گفته وی بر اساس تحقیقات انجام شده در کشور، گرایش جوانان در بخش اوقات فراغت به ترتیب مربوط به برنامه‌های گردشگری، مشارکت‌های اجتماعی، فعالیت‌های ورزشی، هنری، کتابخوانی، قرآنی، مهارت‌آموزی و آموزش زبان و کامپیوتر است و تماشای تلویزیون با ۸۲ درصد بیشترین سهم را در گذران اوقات فراغت جوانان داشته که روحیه انزواطلبی، خستگی و دغدغه‌ها از عوامل گرایش آنها به گذران اوقات فراغت به شیوه‌های فردی و غیر فعال است.

حال با توجه به آنچه عنوان شد آیا می‌توان به برنامه‌های ارگان‌های دولتی در زمینه اوقات فراغت جوانان و دانش‌آموزان اعتماد کرده و آنها را مفید و مثمر ثمر دانست و یا این که یکی از دلایل افزایش بزه‌کاری و گرایش به اقدامات خلافکارانه در ایام تابستان را باید برنامه‌ریزی دولتی و هزینه‌های گزاف تفریحات سالم به حساب آورد؟

شواهد امر نشان از این واقعیت دارد که اوقات فراغت و ۳ ماهه تابستان به معضلی بزرگ و لاینحل برای خانواده‌ها تبدیل شده و آنها همواره از این مسأله هراسان هستند که چگونه قادرند این زمان را بدون آثار سوء سر کنند؟!